

## از گوشه و کنار

### ترجمه آثار برتولت برشت به زبان فارسی

حسینی زاد مترجم آثار برتولت برشت در گفتگو با شبکه دویچه وله آلمان میگوید: "ترجمه کتابهای آلمانی که در ایران صورت گرفته متأسفانه همه سردستی هستند. همین برشت را در نظر بگیرید. جنبه سیاسی اش را دیده‌اند. یا چون هاینریش بل جایزه‌ی نوبل را گرفته بود بلافاصله کتابهاش ترجمه شد. به نظر من ما هنوز ترجمه خوبی از هاینریش بل نداریم. گونتر گراس هم همینطور، تا نوبل گرفت چند تا از کتابهاش ترجمه شد."



تا کنون بیش از چهل کتاب از آثار برتولت برشت به فارسی ترجمه و منتشر شده است. این آثار نزدیک به یک دهم کل کتابهایی است که از ادبیات آلمانی‌زبان به فارسی انتشار یافته است. بسیاری از آثار برشت دوبار یا بیشتر به فارسی ترجمه شده‌اند، با این همه انتشارات خوارزمی نزدیک به سی سال پیش ترجمه و انتشار مجموعه کامل آثار برشت را آغاز و اخیراً هفتمین جلد آن را روانه بازار کرده است. جلد هفتم این مجموعه سه نمایش‌نامه از نوشته‌های دوران جوانی برتولت برشت را در برمی گیرد. این کتاب که تاریخ انتشارش ۱۳۸۰ ذکر شده در مهرماه ۱۳۸۴ پخش شد و محمود حسینی‌زاد مترجم آن است. ویراستاری این مجموعه را فرامرز بهزاد بر عهده دارد.

حسینی‌زاد در گفتگو با دویچه وله درباره سابقه همکاری خود در ترجمه آثار برشت و چگونگی کار می‌گوید: "من از اول بودم. من البته از فکر اصلی اطلاع ندارم، ولی اواخر ۵۶ بود که انتشارات خوارزمی این کار را شروع کرد. به نظرم، و اگر بدون تعصب بگویم، شاید بهترین ترجمه‌ای باشد که تا به حال در ایران انجام شده. یعنی همان زمان واقعا تمام امکانات در اختیار مترجمان بود. دکتر بهزاد که الان در آلمان اقامت دارد به عنوان ویراستار انتخاب شد و او مرا، که در دانشگاه همکاری بودم و یکی دیگر از دوستان، فرید مجتهدی،

که الان خارج از کشور است، به عنوان مترجم انتخاب کرد که با او همکاری می‌کردیم. کار یک کار سیستماتیک و علمی بود. همان موقع یک کتابخانه مفصل در اختیار ما بود و چیزهایی را که ترجمه می‌کردیم با ترجمه انگلیسی حتماً برابری می‌شد. چون به هر حال شاید یک گنگی‌هایی بود که ما متوجه نمی‌شدیم. برای همین ترجمه را با برگردان انگلیسی هم مقابله می‌کردیم. خود آقای حیدری از انتشارات خوارزمی که به زبان انگلیسی وارد است کمک می‌کرد. یکی از کارگردانهای تئاتر آن زمان، آقای نجم‌آبادی، به زبان تاتری این مجموعه کمک می‌کرد. ایشان جزو همکارهای ما بود. البته آلمانی بلد نبود اما ترجمه‌ها را از نظر زبان تاتری می‌خواند. تصمیمی هم که آن موقع گرفتیم، که البته بهزاد تصمیم می‌گرفت و ما اجرا می‌کردیم، این بود که در ترجمه آثار وفادار باشیم. شاید بشود گفت ترجمه خشک یا کلمه به کلمه می‌کردیم و باقی کار به خود کارگردان واگذار می‌شد که این را بر روی صحنه تغییر بدهد. بسیار دقیق ترجمه می‌کردیم. مثلاً در این مورد که شعرها را با وزن ترجمه بکنیم یا نه مدتها جلسه گذاشتیم تا این که آخر تصمیم گرفتیم تا آخر سطر به سطر ترجمه کنیم و بعد بگذاریم به اختیار کارگردان.»

### منطق الطیر عطار ترجمه و منتشر شد

پس از ترجمه منظوم و چاپ شش دفتر مثنوی معنوی مولوی در ازبکستان، منطق الطیر عطار نیشابوری نیز به قلم جمال کمال به زبان ازبکی در این کشور منتشر شد. این اثر در چهارصد صفحه از سوی رایزنی فرهنگی ایران در ازبکستان و با همکاری ادبی موسسه زبان و ادبیات علی شیر نوایی فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان، توسط انتشارات «فن»، در هزار نسخه در منتشر شد. کتاب با مقدمه‌ای کوتاه از دکتر عباسعلی وفایی رایزن فرهنگی سفارت ایران در ازبکستان و با مقدمه‌ای مفصل از دکتر ابراهیم حق قل کارشناس ارشد موسسه زبان و ادبیات علی شیر نوایی



فرهنگستان علوم همراه می‌شود.

## نهضت ترجمه آثار ملاصدرا

آیت الله خامنه ای رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا طی سخنانی تاکید کرد: "ما نیازمند نهضت ترجمه آثار فلسفی ملاصدرا به زبانهای دیگر هستیم. بنیاد اسلامی صدرا بر این امر بسیار تأکید دارد. تاکنون توانسته ایم آثاری از ملاصدرا به زبانهای چینی، ژاپنی، ترکی، روسی و بوسنیایی ترجمه کنیم. دکتر سید حسین نصر کتاب حکمت متعالیه را به زبان انگلیسی تألیف کرد. هانری کربن کتاب المشاعر ملاصدرا را به فرانسه ترجمه کرد. پروفیسور مورس آمریکایی کتابی درباره ملاصدرا ترجمه کرده و هورتن نیز اثری از ملاصدرا را به آلمانی ترجمه کرده است. ما بنا داریم تمامی آثار ملاصدرا را به زبان انگلیسی ترجمه کنیم."

## ترجمه‌ای شاعرانه از قرآن به زبان آلمانی

خسرو ناقد در مقاله ای با همین عنوان که در روزنامه شرق (۳ اردیبهشت ۸۵) به چاپ رسیده، پس از ذکر سابقه ترجمه های قرآن به زبانهای اروپایی می‌گوید: "در میان اروپاییان شاید آلمانی زبانان بیشترین توجه را به ترجمه قرآن و تحقیق درباره آن مبذول داشته اند. اصولاً سنت مطالعات شرق شناسی و اسلام شناسی و پژوهش های ایران شناختی در سرزمین های آلمانی زبان و به ویژه در کشور آلمان. پیشینه‌ای طولانی دارد و با نام دانشمندان و پژوهشگرانی چون «یوزف فون هامر- پورگشتال»، «فریدریش روکرت»، «هاینریش شدر» «هرمان فون دیتز»، «هلموت ریتز»، «تئودور نولدکه»، «فریتز وولف»، «هانس هاینریش شدر»، «هرمان اته»، «ریچارد هارتمان»، «آنماری شیمل» و «هاینتر هالم» پیوند خورده است... قرآن تاکنون چندین بار به زبان آلمانی ترجمه شده است. ولی ترجمه شاعرانه Friedrich Rueckert «فریدریش روکرت» (۱۷۸۸ تا ۱۸۶۶ میلادی) که به رغم قدمت آن تازه ترین ترجمه‌ای است که در کشورهای آلمانی زبان منتشر شده است، با اقبال محافل علمی و دانشگاهی و اعجاب قرآن پژوهان و اسلام شناسان مواجه گشت. ... ترجمه شاعر و زبان شناس و شرق شناس آلمانی فریدریش روکرت از قرآن درست نقطه مقابل ترجمه هایی است که تاکنون به زبان آلمانی منتشر شده است. این ترجمه که از حیث زبان و به لحاظ زیباشناسی شاهکاری در زبان آلمانی محسوب می‌شود، هر چند در اینجا و آنجا کاملاً دقیق و عیناً مطابق با متن اصلی نیست، اما برای نخستین بار سبک قرآن و زیبایی و شکوه کلام خدا را به خواننده آلمانی زبان می‌نماید و او را به شگفت و تحسین وامی‌دارد. نبوغ روکرت در فراگیری زبان‌های

گونگون، زبانزد خاص و عام بود. او که به زبان های یونانی کهن، لاتین، سنسکریت، فارسی، عربی و ترکی تسلط داشت، خیلی زود خود را با قرآن و ترجمه آیاتی از آن مشغول داشت و با آن انس و الفت گرفت. او نخست پاره‌ای از ترجمه های شاعرانه خود را از آیات قرآن در سال ۱۸۲۴ میلادی منتشر کرد. مجموعه دست نوشته های روکرت از ترجمه قرآن — که متأسفانه دربرگیرنده تمام متن اصلی نیست — پس از مرگش و در سال ۱۸۸۸ میلادی، به مناسبت صدمین سالگرد تولد او و به خواست خاندانش، به کوشش شرق شناس آلمانی «آگوست مولر» به چاپ رسید. اما از آن زمان تاکنون این ترجمه بی نظیر و ارزشمند گمنام و مهجور مانده بود. اکنون پس از گذشت بیش از صد سال از اولین چاپ آن به صورتی نفیس و با کمال زیبایی و پاکیزگی به کوشش «هارتموت بوبتیزین» و با توضیحات و اشارات سودمند «وولف دیتریش فیشر» منتشر شده است.

روکرت از همان آغاز کار ترجمه قرآن، درصدد ترجمه متن کامل تمام سوره‌ها نبود و از این رو در دست نوشته های او گاه آیاتی و گاه حتی سوره‌ای از قلم افتاده است. ... از فریدریش روکرت که به عنوان «پدر شرق شناسی آلمان» از او یاد می شود، افزون بر ترجمه قرآن آثار دیگری نیز به جا مانده است؛ از آن جمله ترجمه منظوم اشعار گلستان سعدی که در سال ۱۸۴۷ میلادی به انجام رساند، بهترین و زیباترین ترجمه‌ای است که تاکنون از این دفتر منتشر شده است. ترجمه روکرت از گلستان نزدیک به پنجاه سال بعد از اتمام آن و بیش از سی سال پس از مرگ او، برای نخستین بار در «مجله تاریخ ادبیات تطبیقی» به سال ۱۸۹۵ میلادی منتشر شد. روکرت در سال ۱۸۵۱ برای اولین بار در «دفتر یادداشت‌های شاعرانه» خود اشاره‌ای به ترجمه بخش منظوم گلستان دارد. او بوستان سعدی را نیز به صورت زیبایی به آلمانی ترجمه کرد که انتشار این کتاب نیز در زمان حیات او به انجام نرسید و نخستین بار در سال ۱۸۸۲ میلادی منتشر شد. روکرت گزیده‌ای از شاهنامه فردوسی و شماری از غزلیات سعدی را نیز به آلمانی ترجمه کرد."

### عبدالله کوثری نویسنده دیگری از آمریکای لاتین را معرفی می‌کند

عبدالله کوثری در حال ترجمه رمان «باغ همسایه» از یک نویسنده شیلیایی است. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، «باغ همسایه» رمانی کوتاه از خوزه دونوسو است که تاکنون از وی اثری در ایران به فارسی ترجمه نشده است. به گفته

کوثری، این کتاب یکی از آثار مهم آمریکای لاتین است و "پرنده وقیح شب" - اثر دیگر این نویسنده - هم‌ردیف کارهای کارلوس فوننتس است. او همچنین با اعتقاد بر این‌که این نویسنده باید زودتر از این‌ها معرفی می‌شد گفت: "دونوسه آثار دیگری هم دارد که از این اثر معروف‌ترند، اما فکر کردم با توجه به فضای فعلی، این کتاب را ترجمه کنم." وی همچنین اظهار داشت تا تکلیف کتاب‌های در انتظار انتشارش مشخص نشود، دست و دلش به کار نمی‌رود. از ترجمه‌های کوثری، «عیش مدام» (درباره فلور و مادام بواری) اثر ماریو وارگاس یوسا، در انتشارات نیلوفر، «ریشه‌های رمانتیزم» از آیزایا برلین در نشر ماهی، «زنان تروا» در نشر فردای اصفهان، و چاپ سوم «محاكمه ژاندارک» در نشر فردا در انتظار انتشارند. «گفت‌وگو در کاتدرال» اثر ماریو وارگاس یوسا از این مترجم نیز به تازگی تجدید چاپ شده و نشر هرمس نیز ترجمه شاعرانه او از «سالومه» اثر اسکار وایلد را به بازار فرستاده است.

### فردوسی و شاهنامه او در آلمان

خسرو ناقد در سایت شخصی خود مطلب خواندنی زیر را درباره سابقه فردوسی شناسی و ترجمه شاهنامه در آلمان آورده است:

"هانس هاینریش شدر، ایران شناس نامدار آلمانی، در ۲۷ سپتامبر سال ۱۹۳۴ میلادی (پنجم مهرماه ۱۳۱۳ خورشیدی) به مناسبت هزاره فردوسی و در مراسمی که در گرامیداشت شاهنامه و بزرگداشت سراینده آن در شهر برلین بر پا شده بود، خطابه‌ای بلند ایراد کرد که نخستین بار در هفتاد سال پیش از این، با عنوان "فردوسی و آلمانی‌ها" در مجله "جامعه شرق شناسان آلمان" منتشر شد. او در سخنان خود، سال ۱۸۱۹ میلادی را نقطه عطفی در تلاش آلمانی‌ها برای درک فرهنگ مشرق زمین می‌داند. در این سال "دیوان غربی- شرقی" "وولفگانگ گوته" منتشر می‌شود و "فریدریش روکرت" تحت تاثیر غزلیات مولانا جلال‌الدین، کتاب "رُزهای شرقی" را که مجموعه‌ای از زیباترین غزلیات آلمانی است منتشر می‌کند و همزمان با این آثار، "گراف پلاتن" نیز، افزون بر ترجمه‌ای که "یوزف هامر- پورگشتال" در سال ۱۸۱۴ میلادی از دیوان حافظ به دست داده بود، ترجمه‌ای دیگر از غزلیات حافظ را انتشار می‌دهد.

در بهار همین سال بود که "یوزف فون گورس" در شهر "کوبلنز" پیشگفتار خود را بر ترجمه شاهنامه اندکی پیش از آنکه ناگزیر شود آلمان را به مقصد استراسبورگ ترک کند،

به پایان می‌برد. گورس که به‌خاطر تألیف کتاب «آلمان و انقلاب» و طرفداری از انقلاب فرانسه و مخالفت با دولت و کلیسا تحت فشار فزاینده قرار داشت، ناگزیر به ترک آلمان می‌شود و در تنهایی تبعید استراسبورگ، بخش‌هایی از شاهنامه را با ترجمه‌ای آزاد به پایان می‌رساند. این اثر به سال ۱۸۲۰ میلادی در دو مجلد در برلین منتشر می‌شود.

شدر پس از آنکه شرحی تاریخی از پیدایش و سرایش شاهنامه به‌دست می‌دهد، به تحولات زبان و شعر فارسی پس از حمله‌ی اعراب به‌ایران اشاره می‌کند و از جایگاه فردوسی و نقش شاهنامه می‌گوید و سپس به‌موضوع اصلی گفتار خود که تلاش آلمانی‌ها برای ترجمه‌ی شاهنامه و تأثیر این حماسه بر فرهیختگان آلمانی و نیز به‌پژوهش‌های گسترده‌ای که درباره‌ی شاهنامه در سرزمین‌های آلمانی‌زبان صورت گرفته است، می‌پردازد.

اما نکته‌ی ای که در خطابه‌ی شدر بیش از همه جلب توجه می‌کند، تشابهی است که او در اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در زمان سروده شدن شاهنامه از یک سو و وضعیت انقلابی آلمان در زمان ترجمه‌ی شاهنامه از سوی دیگر می‌بیند. او گمان دارد که انگیزه اولین مترجم شاهنامه، نشان دادن این تشابه بوده است به‌ویژه که گورس ترجمه خود از شاهنامه را به «هاینریش فریدریش فون اشتاین»، دولتمرد نامدار پروسی در دوران جنگ‌های ناپلئون تقدیم می‌کند و او را با شخصیت اسطوره‌ای کاوه آهنگر مقایسه می‌کند.

خطابه شدر با بررسی کوتاه ترجمه‌های دیگری که از شاهنامه فردوسی تا آن زمان صورت گرفته بود، ادامه می‌یابد، از آن جمله ترجمه‌ای که «آدولف فریدریش فون شاک» در سال ۱۸۵۱ میلادی به‌انجام رساند و نیز ترجمه فریدریش روکرت که پس از مرگش انتشار یافت و یکی از بهترین ترجمه‌های شاهنامه به‌زبان آلمانی است. اما متأسفانه این ترجمه هم چون دیگر آثاری که روکرت از زبانهای شرقی به‌دست داده است، کامل نیست. اینک به‌بهبان فرارسیدن روز بزرگداشت فردوسی، ترجمه بخش نخست این خطابه با عنوان "در سکوت تنهایی فردوسی" انتشار می‌یابد. ترجمه بخش دوم سخنان شدر با عنوان "فردوسی و آلمانی‌ها" در فرصتی مناسب منتشر خواهد شد.

شیوا ارسطویی داستان‌های کوتاهش را به انگلیسی ترجمه می‌کند

به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، شیوا ارسطویی قصد دارد داستان‌های کوتاه خود را به انگلیسی ترجمه کند. ارسطویی پس از اتمام کارهایی که

هم‌اکنون مشغول آن‌هاست، تصمیم دارد به ترجمه داستان‌هایش بپردازد چراکه معتقد است نویسنده اثر بهتر از هر کسی می‌تواند اثرش را ترجمه کند زیرا با فضاها و حال و هوای آن آشنا تر است.

### ترجمه‌های تازه‌ای از بهمن فرزانه منتشر می‌شوند

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، بهمن فرزانه، این مترجم ساکن ایتالیا اعلام کرد که در حال حاضر مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه لوییجی پیراندلو - نویسنده درگذشته ایتالیایی - را ترجمه کرده و آن‌را نشر کتاب پنجره منتشر می‌کند. فرزانه متذکر شد این داستان‌نویس ۲۴۳ داستان کوتاه نوشته که ترجمه همه آن‌ها کار یک عمر است و او از این تعداد، ۴۸ داستان را که با فضا جامعه‌ی ایرانی هم‌خوان‌ترند، به فارسی برگردانده است. این اثر احتمالاً در چهار مجلد به تدریج منتشر خواهد شد و برای عنوان هر جلد هم نام یکی از داستان‌ها انتخاب می‌شود.



ترجمه مجموعه چند داستان کوتاه از گراتزیا دل‌دا، دیگر اثری است که از این مترجم منتشر خواهد شد. بهمن فرزانه همچنین مشغول ترجمه رمانی از همین نویسنده با عنوان «راز وحشتناک» و «جنایت و مکافات در سیسیل» از لوییجی کافوآناست که آن‌ها را به انتشارات مهناز و فقنوس می‌سپارد. از این مترجم که معتقد است مترجمان ایرانی و فارسی‌زبان بهتر است آثار را از زبان اصلی اثر به فارسی برگردانند، به‌تازگی «عشق در زمان وبا»ی گابریل گارسیا مارکز که پیش‌تر با عنوان «عشق سال‌های وبا» توسط مترجم دیگری منتشر شده بود، «تازه‌عروس» (چاپ چهارم) و «عروس فرنگی» (چاپ سوم، که فیلم عروسک فرنگی به کارگردانی فرهاد صبا نیز با اقتباس از آن ساخته شده) از آلبادسس پدس منتشر شده‌اند.

### ترجمه خسرو ناقد از شعرهای لورکا منتشر می‌شود

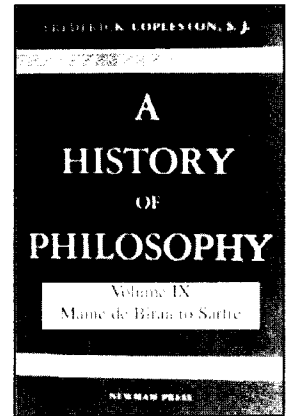
گزیده‌ی شعرهای فدريكو گارسيا لورکا با ترجمه خسرو ناقد مجوز انتشار گرفت. به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، این کتاب که با عنوان «در سایه‌ی ماه و

از گوشه و کنار : ۱۲۱

مرگ» در هفتادمین سالمرگ شاعر انتشار می‌یابد. نزدیک به یک سال در انتظار مجوز نشر مانده بود. ترجمه ناقد از شعرهای لورکا به صورت دوزبانه و توسط انتشارات کتاب روشن منتشر می‌شود. شعرهای این مجموعه برای نخستین بار از زبان اسپانیایی به فارسی ترجمه شده است. در این کتاب، افزون بر ترجمه گزیده شعرهای لورکا که در کنار متن اصلی آن‌ها به زبان اسپانیایی منتشر شده، شرحی نیز درباره زندگی لورکا از زبان شاعر و همچنین ترجمه‌ی دو گفت‌وگو با لورکا ضمیمه شده است. یکی از این گفت‌وگوها که کم‌تر از دو ماه پیش از مرگ لورکا منتشر شد، به گفته مترجم، احتمالاً آخرین گفت‌وگو با اوست که اکنون برای نخستین بار به زبان فارسی ترجمه و منتشر می‌شود. در دومین گفت‌وگو، لورکا به این پرسش که «شعر چیست؟» پاسخ داده و نظرات خود را درباره «ترانه‌های کولی‌ها»، «شعرهای نیویورک» و دیگر سروده‌های خود مطرح کرده است.

پس از ۲۵ سال ترجمه تاریخ فلسفه کاپلستون نا تمام است

به گزارش خبرگزاری آفتاب، جلد نهم تاریخ فلسفه کاپلستون توسط شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و به ترجمه عبدالحسین آذرنگ و سید محمود یوسف ثانی چاپ و منتشر شد. مجموعه ۹ جلدی تاریخ فلسفه کاپلستون هم مرجع درسی دانشجویان فلسفه و هم مرجع تدریس بسیاری از اساتید از دوره لیسانس تا دکترا است. اما متأسفانه پس از گذشت حدود ۲۵ سال از شروع ترجمه این مجموعه توسط دو ناشر دولتی (انتشارات سروش و انتشارات علمی و فرهنگی) هنوز ترجمه مجلات دوم و سوم آن که به فلسفه در دوره قرون وسطی و رنسانس مربوط می‌شوند منتشر نشده‌اند. با این وجود خوشبختانه کتاب مستقل کاپلستون با عنوان دیباچه‌ای بر فلسفه قرون وسطی با ترجمه مسعود علیا و توسط نشر ققنوس در سال ۸۳ منتشر شد. جلد نخست این مجموعه در سال ۱۳۶۲ با ترجمه سید جلال‌الدین مجتوبی روانه بازار شد. ترجمه بخش اول این کتاب را عبدالحسین آذرنگ و ترجمه بخش دوم آن را دکتر سید محمود یوسف ثانی بر عهده داشته‌اند. جلد نهم کتاب مربوط به تاریخ فرانسه و در بخش دوم تاریخ فلسفه نیمه دوم قرن بیستم این کشور بررسی شده است.





## آثار محمود دولت آبادی همچنان ترجمه می‌شوند

رمان باشیرو محمود دولت آبادی به زبان ایتالیایی ترجمه شده و جای خالی سلوچ ایر داستان نویس نیز به زبان هلندی منتشر می‌شود. به گزارش خبرنگار بخش کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران، باشیرو یک رمان بومی است که داستان آن در جنوب کشور اتفاق می‌افتد. این اثر برای نخستین بار در سال ۱۳۵۲ منتشر



شد و به تازگی به زبان ایتالیایی ترجمه شده است. همچنین ترجمه هلندی رمان جای خالی سلوچ این داستان نویس در حال انجام است و به زودی منتشر خواهد شد. ترجمه انگلیسی و فرانسه این رمان نیز به پایان رسیده که ترجمه فرانسه آن تا اواخر ماه جاری و ترجمه انگلیس اش تا چند ماه آینده منتشر خواهد شد. پیش از این رمان جای خالی سلوچ به زبان‌های آلمانی و سوئدی نیز ترجمه شده بود. این رمان سال ۵۸ توسط نشر چشمه منتشر شده و تا امروز به چاپ دهم رسیده است. همچنین مجلد دوم کلیدر شامل جلد سوم و چهارم آن در حال ترجمه به زبان آلمانی است. پنج سال پیش، دو جلد اول این رمان توسط ناشر سویسی منتشر شد.

## ترجمه‌هایی که از ادبیات ما انجام شده، بیشتر بر اساس رابطه بوده است

به گفته جمال میر صادقی، اکثر آثاری که از ادبیات ایران در جهان ترجمه شده، بیشتر بر اساس رابطه بوده و اینها آثاری از نویسندگان دست چنم است که نماینده مناسبی برای ادبیات ما نمی‌تواند باشد. این داستان نویس در گفت و گو با خبرنگار بخش ادب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) تصریح کرد: کشورهای دیگر ادبیاتشان را جزو سرمایه‌های ملی می‌دانند و نویسندگان نیز جزو این سرمایه محسوب می‌شوند. مثلاً ترکیه زمان آتاتورک برای جهانی کردن ادبیاتش دارالترجمه‌هایی تاسیس کرد و آثار با ارزشش را به فرانسه ترجمه کرد. این باعث شد این آثار خوانده شود و وقتی متوجه ارزش آن شدند، به زبان‌های دیگر هم ترجمه شدند. وی افزود: این گونه بود که بعد از پیوستن ترکیه به قانون کپی رایت، تبادل فرهنگی این کشور با کشورهای دیگر برقرار شد و این باعث شناخته شدن ادبیات این کشور در دنیا شد. میر صادقی با اشاره به بوف کور به عنوان تنها رمانی از ادبیات ما که به زبان‌های

گوناهگونی ترجمه شده است، آن را یک استثنا در ادبیات ایران دانست و ادامه داد: این رمان تنها رمانی از ماست که جنبه جهانی یافته است. به اعتقاد میرصادقی ادبیات اول باید ولایتی و بعد، ایالتی باشد؛ یعنی ابتدا باید در خود کشور مورد استقبال قرار گیرد، بعد جهانی شود. نمونه این موضوع، ادبیات آمریکای لاتین است که ابتدا در آن جا مورد توجه قرار گرفت، سپس جهانی شد. ادبیات داستانی ما در کشور خودمان چندان فروش ندارد، چگونه می‌خواهیم که در دنیا با استقبال مواجه شود؟ وقتی اثری که ترجمه می‌شود، در اثر رابطه است نمی‌تواند نماینده مناسبی برای ادبیات ما باشد. این داستان نویس همچنین متذکر شد: با ترجمه شدن اثری، آن اثر جهانی نخواهد شد. بعضی از آثار که ترجمه می‌شود، در ۳۰۰ یا ۴۰۰ نسخه منتشر شده و جنبه عام پیدا نمی‌کند. وی دلیل دیگری را که آثار ترجمه شده ایرانی با استقبال چندانی مواجه نمی‌شوند، ترجمه ضعیف آنها عنوان کرد و گفت: بسیاری از آثار که به زبان خارجی ترجمه شده‌اند در حد بسیار پایینی هستند، در نتیجه این ترجمه‌های ضعیف خوانده نمی‌شوند.

#### ادبیات ما ابتدایی است: مانده تا جهانی شود

نجف دریا بندری معتقد است: آثاری که از ما ترجمه شده‌اند با استقبال زیادی مواجه نمی‌شود چرا که ادبیات ما هنوز ابتدایی است. این مترجم پیشکسوت در ادامه گفت و گو با خبرنگار بخش ادب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) تصریح کرد: معتقد نیستم که چون



ترجمه این آثار بد بوده، مورد توجه قرار نگرفته‌اند. ممکن است ترجمه خوب، بد یا متوسط باشد، اما این دلیل استقبال نکردن نیست؛ بلکه کیفیت رمان و مساله نوشتن و نویسنده اهمیت دارد. رمان چیزی است که برای سرگرم کردن مردم و لذت بردن خواننده نوشته می‌شود که ضمن آن مسائل اجتماعی و مضمون رمان نیز مطرح است. ولی اصل این است که خواندنی و شیرین باشد و حتی اگر شیرین نباشد و تلخ هم باشد، تلخی آن مزه‌ای داشته باشد. اما این شرایط در رمان‌های فارسی جمع نشده‌اند.